



شهرزاد بهادری

کارشناس ارشد مطالعات زنان

(پرتو)

چند گام روبه جلو در اشتغال زنان

اشتغال زنان در دهه‌های اخیر در ایران دارای اهمیت بسیار شده است و مباحث زیادی را به میان آورده است. کار زنان در حالی است که در بسیاری مواقع باعث استقلال و افزایش اعتمادبه‌نفس آن‌ها می‌شود. جامعه ایرانی در حال گذر از سنت به مدرنیته است. حال این سؤال در ذهن‌ها پدید می‌آید که آیا اشتغال امروزه زنان اجبار و ضرورت دارد یا آنان خود و با میل و رغبت به انتخاب آن می‌پردازند. اشتغال زنان تاریخ دیرینه‌ای دارد. زنان روستایی و عشایر در تولید اقتصاد خانواده نقشی پویا و فعال داشته‌اند. مثلاً در تولید محصولات، همپای مردان همیشه مشغول فعالیت بوده‌اند. گذشته از آن، آن‌ها علاوه بر کار مادری و خانه‌داری، کارهایی همچون قالی‌بافی و سیدبافی و... داشته‌اند ولی به عنوان شغل، تا این اواخر به آن پرداخته نشده بود.

تعریف اشتغال زنان به شکل امروزی آن از انقلاب صنعتی شکل گرفت زیرا کارخانجات و کارگاه‌های زیادی به وجود آمدند که به دلیل دستمزد پایین زنان در مقایسه با مردان تمایل زیادی برای استفاده از نیروی کار آنان داشتند. ما در ایران اشتغال زنان را باید از دو دیدگاه بررسی کنیم. نخست که در دین اسلام شاهد این هستیم کار بیرون از خانه تا جایی که با مصالح خود زن و خانواده منافات نداشته باشد اشکالی ندارد و گاهی حتی از دیدگاه جامعه ضرورت هم دارد: مشاغلی که ویژه امور زنان و برای خدمت‌رسانی بهتر به خود ایشان است مثل پرستاری، پزشکی، نیروی انتظامی و... فقه اسلام تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید: زن وظیفه اقتصادی در خانه ندارد و حاصل دسترنج و مزد در اختیار خود اوست. دومین دیدگاه و نظر را باید در تحولات صورت گرفته در جامعه بررسی کرد. امروزه زنان از تحصیلات عالی برخوردار شده‌اند و تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف، این باور برای ایشان به وجود آمده است که حتماً باید بیرون از خانه شاغل باشند و لو نیاز اقتصادی نداشته باشند. سومین دسته از تحولات زنان به آنانی تعلق دارد که برای رفع نیاز اقتصادی و کمک به همسر می‌کوشند. بعضی از این زنان اگر از لحاظ مالی تأمین شوند، بیشتر تمایل به خانه‌داری و مادری دارند. دسته دیگر زنان بدسرپرست و خودسرپرست (مجردان) هستند. این زنان یا دارای همسر نیستند یا همسران آنان دچار بیماری، گرفتار زندان و اعتیاد و ترک منزل و... هستند و به اجبار و حتی بدون مهارت و تخصص در جامعه مشغول به کار و کسب درآمد می‌شوند. اگر دولت از این زنان حمایت‌های مالی صورت دهد و به آن‌ها آموزش‌ها و مهارت‌های تخصصی و حرفه‌ای رایگان ارائه دهد با فراغ بال بیشتری به فعالیت اقتصادی و اشتغال خود می‌پردازند. آماری که مرکز آمار ایران به‌تازگی درباره وضعیت اشتغال و بیکاری در پاییز منتشر کرد نشان داد نرخ بیکاری افراد پانزده ساله و بزرگ‌تر به ۸۰۹ درصد رسیده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۰۵ درصد کاهش یافته است.

بر اساس این آمار، پاییز سال گذشته جمعیت فعال پانزده ساله و بزرگ‌تر ۲۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بوده که از این تعداد ۲۳۰۵ میلیون نفر شاغل و ۲۰۳ میلیون نفر بیکار هستند. در مقایسه با پاییز سال گذشته بیکاران ۰۵ درصد و شاغلان ۰۲ درصد کم شده‌اند.

جزئیات این گزارش از این حکایت دارد که بین ۲۰۳ میلیون نفر بیکار، بیش از ۱۰۶ میلیون نفر مرد هستند که حدود ۸۵ هزار نفر از تعدادشان کم شده و نرخ بیکاری آن‌ها ۰۵ درصد کاهش داشته است.

تعداد زنان پانزده ساله و بزرگ‌تر بیکار در پاییز هم بیش از ۶۵۳ هزار نفر گزارش شده که با کاهش ۴۷۰ هزار نفری همراه بوده و کاهش نرخ بیکاری آن‌ها را به ۰۲ درصد رسانده است. هم‌چنین از بین جمعیت شاغل، بیش از ۲۰ میلیون نفر مرد هستند که تعدادشان در مقایسه با پاییز پارسال ۳۱۷ هزار نفر اضافه شده است.

سه‌م زنان از جمعیت شاغل نیز حدود ۳۰۵ میلیون نفر است که از تعدادشان حدود ۱۹۵ هزار نفر کم شده است. امروزه با توجه به گستردگی فرهنگی و ارتباطات وسیع و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه و شرایط خانوادگی حاکم بر زنان، آن‌ها خود داشتن فعالیت اقتصادی و اشتغال خانگی را نیز در کنار نقش مادری و خانه‌داری انتخاب می‌کنند.



عکس: ژوئینی است

شهربانو

۲۲ شهریور
۳۰ خرداد ۱۴۰۱
۷۰ دی‌ماه ۱۴۴۲ شماره ۳۹۹۳

(۲)

محدثه جزایی
دکتری علوم سیاسی

(آفاق)

تعاونی‌ها، حلقه گمشده اقتصاد مشاغل خانگی

و خدمات با قیمت مناسب و کیفیت مطلوب، می‌تواند گام بزرگی باشد در سامان‌دهی و پیشرفت مشاغل خانگی و فعالیت‌های اقتصادی زنان.

چنانچه تعاونی‌ها با توجه به نیازهای هر منطقه، استان، شهر، محله و حتی روستا تشکیل شوند و بتوانند خدماتی چون تأمین مواد اولیه، دستگاه‌ها و ماشین‌آلات مورد نیاز، تأسیس کسب و کارهای خانگی و... را فراهم آورند و تولیدکنندگان را به شبکه‌های توزیع و فروش مرتبط کنند، به جرئت می‌توان ادعا کرد تحول مثبت و بزرگی در این نوع مشاغل ایجاد خواهد شد زیرا برخی زنان توانمند در محلات گوناگون شهری و حتی بخش‌های روستایی هستند که به علت ناتوانی در تأمین موارد مورد نیاز برای تولید، نمی‌توانند وارد چرخه فعالیت‌های اقتصادی شوند. شکل‌گیری چنین حلقه واسطی که البته در وزارت کار فعالیت‌های مثبتی درباره تأسیس آن‌ها صورت گرفته است، حتی می‌تواند به عنوان یک ابزار شناسایی استعداد و توانایی مورد استفاده قرار گیرد و ظرفیت خاموش و پنهان زنان را به فعلیت برساند. چه بسیار زنان توانمند و خلاق که در صورت فراهم بودن بسترهای خوداشتغالی می‌توانند کمک بزرگی برای اقتصاد محلی باشند. مجموع چنین فعالیت‌هایی در همه محله‌ها و مناطق گوناگون استانی، در نهایت بر شاخص‌های اقتصادی کل کشور اثر می‌گذارد.

البته پر واضح است که نوشتن و گفتن درباره تعاونی‌ها و تمرکز بر نقاط مثبت آن‌ها کافی نیست. باید در این حوزه گام‌های عملی و مؤثر برداشت. نهادهای کلان سیاسی باید برای حمایت از چنین تعاونی‌هایی تنها به حمایت‌های شفاهی بسنده نکنند و با توزیع مسئولیت‌ها و اختیارات به استان‌ها و شوراهای گوناگون خرد محلی، زمینه را برای تسهیل فعالیت تعاونی‌ها و ارتباط آن‌ها با مشاغل خانگی و کسب و کارهای کوچک فراهم آورند. ایجاد و گسترش تعاونی‌های مشاغل خانگی حلقه مهمی است که می‌تواند مانند یک رشته پیونددهنده، فعالیت‌های متنوع اقتصادی را به یکدیگر پیوند دهد و باعث ایجاد اشتغال و اقتصادی با پویایی بیشتر شود.

مشاغل خرد و کسب و کارهای کوچک به لطف گسترش فضای مجازی و هم‌چنین تقویت و پشتیبانی‌های ریز و درشت از سوی جامعه و صاحبان سرمایه، هم‌اکنون از جریان‌های اصلی اقتصادی در سراسر جهان است. در کشور ما نیز برخی از صنایع نوپا و جدید و گسترش یافتن نوعی جدید از فعالیت به عنوان مشاغل خانگی، اندک‌اندک جای خود را در میان مردم باز کرده است. در کشور ما بیشتر زنان در این نوع مشاغل که بر تولید و فروش برخی از کالاهای ساده و مورد نیاز روزانه مردم مبتنی است، مشغول به فعالیت هستند زیرا از یک سو جنس فعالیت در این نوع از مشاغل بیشتر با نقش‌های گوناگون زنان در جامعه هم‌خوانی دارد و از سوی دیگر، می‌تواند نقش اقتصادی مؤثر زنان را در تأمین نیازهای خانواده در وضعیت تورمی کنونی نشان دهد.

اما انجام فعالیت و تولید محصول در خانه با موانع و چالش‌های زیادی روبه‌روست که بخش اعظم آن معطوف به توزیع و فروش محصولات است. در هر صورت، تولید و تهیه یک محصول، خواه در زمره پوشاک و البسه باشد خواه حضور در زنجیره تأمین مواد غذایی، حتی اگر به بهترین نحو در خانه صورت پذیرد، تا زمانی که نتواند جامعه هدف خود را پیدا کند و در بازار عرضه شود، احتمالاً نمی‌تواند برای صاحبان چنین مشاغلی سودآوری داشته باشد. تعاونی‌های مشاغل خانگی با هدف رفع چنین نیازهایی به وجود آمدند.

در رابطه با مشاغل خانگی و صنایع و محصولات تولیدی توسط صاحبان کسب و کارهای کوچک، امروزه دیدگاه‌های مثبتی وجود دارد. اگرچه برخی چنین فعالیت‌هایی را در زمره مشاغل پنهان به حساب می‌آورند، چنانچه سازمان‌دهی مناسبی وجود داشته باشد، همین کسب و کارهای نوپا می‌توانند سهم چشمگیری از نیازهای بازار را تأمین کنند. در واقع، سخن گفتن از تعاونی‌های مشاغل خانگی با چنین هدفی توجیه‌پذیر است. وجود شرکت‌های تعاونی تأمین نیاز مشاغل خانگی، به عنوان راهکاری مؤثر برای حمایت از مشاغل خانگی، صنایع دستی و تبدیلی و تأمین نیاز مصرف‌کنندگان از طریق عرضه مناسب کالا